

آثار اقتصاد سیاسی متکی بر نفت بر امنیت ملی ایران

سید شمس‌الدین صادقی^۱ مسعود اخوان کاظمی^۲ وحید زرافشان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲

چکیده

در نظام بین‌الملل غیرمتمرکز و فاقد اقتدار مرکزی، نخستین هدف و ارجحیت کشورها، حفظ امنیت ملی و صیانت از منافع خود است. دیرزمانی تأمین امنیت ملی پایدار در گرو سه نوع آمادگی بود: ۱- آمادگی نظامی؛ ۲- آمادگی سیاسی؛ ۳- آمادگی اقتصادی. با پایان جنگ سرد، مؤلفه‌های اقتصادی امنیت ملی اهمیت بیشتری یافته‌اند. در این دوران جدید، امنیت ملی کشورهای صادرکننده نفت، تحت تأثیر رونق و شکوفایی صنعت نفت قرار دارد. امنیت دارای ابعاد پنجگانه نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست-محیطی است. در این پژوهش، بُعد اقتصادی امنیت ملی مد نظر است؛ زیرا دستیابی به امنیت ملی در گرو بهبود وضعیت اقتصادی است و برآیند تمامی مؤلفه‌های امنیت ملی در امنیت اقتصادی متبلور است. با توجه به این مهم، چنین به نظر می‌رسد که متغیر نفت با امنیت ملی ایران که اقتصاد آن در طی یکصد سال گذشته وابسته به درآمدهای ارزی حاصل از آن بوده، پیوندی عمیق یافته است. با توجه به این مطلب که رشد اقتصادی ایران و نیز حجم عظیمی از سرمایه‌گذاری‌های کلان ملی، به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات این منبع انرژی وابسته است، نوسان‌های درآمدهای نفتی، امنیت اقتصادی ایران را به‌خصوص در پرتو تحریم‌های بین‌المللی یک دهه اخیر تضعیف نموده است.

واژه‌های کلیدی: نفت، اقتصاد سیاسی، امنیت ملی، امنیت اقتصادی

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه sh.sadeghi1971@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه mak392@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه vahid.denver@yahoo.com

مقدمه

در ماتریس کُنش و واکنش نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد، مهم‌ترین وجه شناخت سیاست - چه در سطح داخلی و چه در مقیاس بین‌المللی، ساختار و منافع اقتصادی مرتبط با آن است؛ زیرا سیاست و اقتصاد دو روی یک سکه استنباطی هستند (سریع‌القلم، ۱۳۸۵: ۲۷۲). با توجه به این مهم در اقتصاد سیاسی ایران، نفت مؤلفه‌ای بسیار نافذ و اثرگذار است. اتکای کشور به ارز حاصل از صادرات نفت و نیز نوسان‌های قیمت نفت از طریق تغییراتی که در موازنه پرداخت‌ها و نرخ واقعی ارز ایجاد می‌نماید، آثار نامطلوبی را بر ساختار اقتصادی ایران برجای گذاشته است. به نظر می‌رسد که هم‌اکنون بزرگترین مشکل اقتصاد سیاسی ایران، اتکای بیش از اندازه به درآمدهای ارزی نفتی است که این امر نیز به نوبه خود اقتصاد ایران را در گردونه عدم باروری و توسعه‌نیافتگی قرار داده است؛ امری که در این پژوهش قصد تبیین آن را داریم. برای رسیدن به این هدف، این پژوهش در پی آن است که برای پرسش ذیل، پاسخ مناسبی را بیابد: وابستگی بودجه دولت به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت چه آثاری را بر وجوه اقتصادی امنیت ملی ایران بر جای می‌گذارد؟ برای پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر فرضیه ذیل را به سنجش می‌گذارد: وابستگی بودجه، رشد اقتصادی و نیز حجم عظیمی از سرمایه‌گذاری‌های ملی به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، امنیت اقتصادی ایران را تضعیف می‌کند.

چارچوب نظری

مطابق رهیافت اقتصاد سیاسی، ضعف یا توان اقتصادی یک کشور بر امنیت ملی آن کشور بسیار اثرگذار است؛ زیرا در مقابل مقوله امنیت اقتصادی، ناامنی اقتصادی قرار دارد. منظور از ناامنی اقتصادی "اضطراب و نگرانی به وجود آمده بر اثر عدم امنیت اقتصادی یا ناتوانی در برابر زیان‌های اقتصادی بالقوه است" (Osberg, 2009:5). به همین دلیل، پاره‌ای از صاحب‌نظران حوزه مطالعات اقتصاد سیاسی بر این باورند که پس از نان و قبل از آزادی،

مهم‌ترین نیاز بشر، امنیت است (رنجبر، ۱۳۸۸ : ۲۲۴). امنیت پدیده‌ای کیفی است که بر حسب درجه‌بندی‌های عمدتاً ذهنی قابل توصیف است. اغلب امنیت به معنای عدم تهدیدها و خطرها تعریف می‌شود (Engerer, 2009: 7). بین دال امنیت و مدلول‌های آن رابطه‌ای ثابت و عینی وجود ندارد. از این منظر، امنیت مفهومی زمینه‌مند، نسبی، پیچیده و مبهم محسوب می‌شود و تاکنون برای توصیف، تبیین و پیش‌بینی موضوع‌های امنیتی، نظریه‌های مختلفی مطرح شده است. میان مراکز مختلف مطالعاتی در مورد موضوع امنیت توافق چندانی در مورد چارچوب نظری و مفاهیم انتزاعی و انضمامی امنیت وجود ندارد. تهدیدها، همواره دستورکار امنیت را - چه در بُعد داخلی یا خارجی - شکل می‌دهند؛ ولی امنیت ملی جهان سوم مستلزم توجه خاصی به تهدیدهای داخلی است (ماندل، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۴).

نظریه‌های واقع‌گرایی، نوواقع‌گرایی، لیبرالیسم، سازه‌انگاری و انتقادی از رویکردهای مطرح در مطالعات امنیتی هستند که با ارائه پیش‌فرض‌ها و چارچوب مطالعاتی متفاوت در مورد امنیت ملی و امنیت بین‌الملل، افق‌های تازه‌ای را در حوزه مطالعات امنیتی به وجود آورده‌اند و دیدگاه‌های متفاوتی در مورد پرسش‌های اساسی امنیت؛ از جمله مرجع، کارگزار، ابعاد و شیوه تأمین امنیت، مطرح ساخته‌اند. از نظریه‌های مطرح حول مباحث امنیت، مکتب کپنهاگ با نظریه‌پرداز مشهور این مکتب، باری بوزان است. این مکتب، رهیافتی مبتنی بر مطالعات امنیتی است. با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و تحولات جدید در عرصه نظام بین‌الملل؛ به‌خصوص پیشرفت‌های اقتصادی، رشد جمعیت، نیاز بیشتر به انرژی و منابع جدید آن، شیوع بیماری‌های جدید و تغییرات زیست-محیطی مشخص شد که دیگر نگاه سنتی به مقوله امنیت کارساز نبوده و لزوم ارائه تعریفی جدید از مباحث و تهدیدهای امنیتی ضروری شده است. انتقاد از دستورکار سنتی واقع‌گرایان در خصوص مقوله امنیت که آن را صرفاً امنیت نظامی می‌دانند، با فروپاشی نظام دوقطبی و اتحاد

شوروی سابق و بی‌توجهی به اقتصاد از ناحیه این ابرقدرت، ناتوانی دیدگاه امنیتی واقع‌گرایان در توضیح این مسأله را اثبات نمود. باری بوزان با انتقاد از برداشت ساده‌انگارانه از مفهوم امنیت که در آن واقع‌گرایان به دنبال کسب امنیت از طریق قدرت و آرمان‌گرایان به تأمین امنیت از طریق صلح باورمند هستند، دیدگاه میانه‌ای را مطرح ساخت که در آن هر دو مفهوم قدرت و صلح جای دارند و آن را به‌عنوان بهترین تعریف برای تبیین مفهوم امنیت ضروری دانست (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵-۱۶).

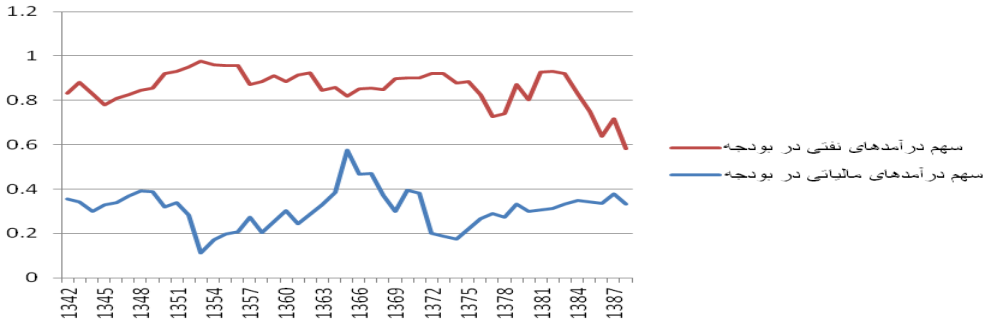
بوزان در برابر امنیت مضیق، بر مفهوم امنیت موسّع تأکید نمود و ابعاد امنیت را در پنج بُعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست-محیطی گسترش داد و بدینسان چارچوب تنگ و محدود دامنه امنیت در رویکردهای پیشین اصلاح شد. از دیدگاه مکتب کپنهاگ، همواره باید به مقوله امنیت به عنوان منظومه‌ای چندبُعدی توجهی ویژه نمود. از دیدگاه بوزان، اقتصاد و سیاست به‌طور عام و با امنیت به‌طور خاص تعاملی مؤثر دارند و هر دو، بخش‌های تحلیلی از یک واقعیت محسوب می‌شوند. از این منظر، از آغاز دهه ۱۹۹۰ به بعد، دنیا پا به عصری گذاشته که در آن ابعاد اقتصادی امنیت به‌طور فزاینده‌ای بر ابعاد سنتی سیاسی و نظامی آن حاکم شده است. بر این مبنا، توانایی اقتصادی بالقوه و بالفعل با قدرت و امنیت ارتباطی عمیق یافته و ایجاد رفاه اقتصادی به یکی از کارویژه‌های اساسی دولت تبدیل شده است تا آنجا که دولت برای دستیابی به اهداف مهم ناگزیر است که متوسل به ابزارهای اقتصادی شود و رمز امنیت اقتصادی این است که امکانات اقتصادی یا توانایی مادی جزو ارزش‌های اساسی است که باید تعقیب و حمایت گردد (تریف، ۱۳۸۳: ۲۸۳-۲۸۴). با این توضیح باید اذعان نمود که یکی از مؤلفه‌های اصلی اثرگذار بر امنیت ملی ایران اقتصاد مبتنی بر درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت است و رشد پایدار اقتصادی، مؤلفه‌ای مهم در تأمین امنیت ملی ایران است و ضرورت توجه به ابعاد توسعه اقتصادی ایران از ارکان مهم امنیت ملی این کشور محسوب می‌شود. رشد و توسعه

آثار اقتصاد سیاسی منکی بر نفت بر امنیت ملی ایران / ۱۰۷

ایران بدون تأمین سطح مطلوب و کیفیت قابل قبولی از امنیت اقتصادی ممکن نیست (کرباسیان، ۱۳۷۵: ۵۱). با توجه به این مهم، در ادامه در چارچوب رویکرد نظری و تحلیلی مکتب کپنهاک به بررسی آثار اقتصاد سیاسی مبتنی بر درآمدهای نفتی بر امنیت ملی ایران با تأکید بر وجوه اقتصادی آن خواهیم پرداخت.

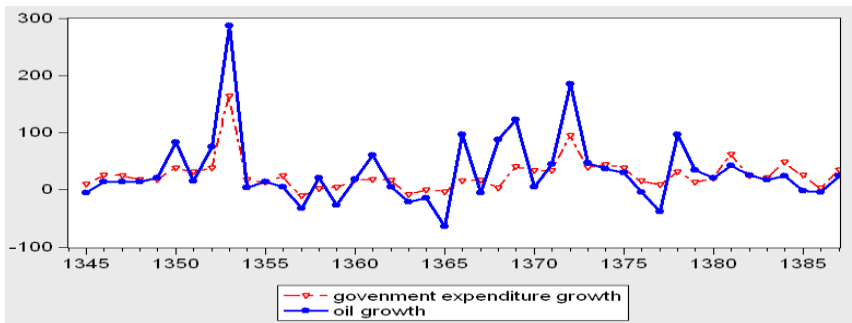
نفت و اقتصاد سیاسی ایران

نفت کلیدی‌ترین و سیاسی‌ترین کالای استراتژیک ایران در طول یکصدساله گذشته بوده و بخش درخور توجهی از بودجه دولت ایران را به خود اختصاص داده است. در مورد تأثیر نفت در اقتصاد ایران باید گفت که صنعت نفت به‌تنهایی ۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی (کميجانی و اسدی مهماندوستی، ۱۳۸۹: ۲۶۰)، ۶۰ درصد از درآمدهای دولت و ۹۰ درصد از درآمدهای حاصل از صادرات (Farzanegan, 2011: 1-2) و بیشتر از ۸۰ درصد درآمدهای ارز خارجی کشور را تشکیل می‌دهد. ۳۰ درصد از نوسان‌های میزان بیکاری و ۶۰ درصد از نوسان‌های سطح عمومی قیمت‌ها ناشی از نوسان‌های قیمت نفت است (بهبودی و دیگران، ۱۳۸۸: ۸). مقایسه این آمار و ارقام نشان می‌دهد که میزان اثرگذاری درآمدهای ارزی نفتی بر اقتصاد ایران بسیار زیاد است تا آنجاکه تغییر در میزان صادرات نفت؛ به‌خصوص در پرتو تحریم‌های بین‌المللی، اقتصاد ایران را دچار بحران نموده است (CRS Report for Congress. 2008: 23-25). درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران در دهه‌های گذشته بسیار پُر نوسان بوده و از آنجاکه وابستگی بودجه دولت به درآمدهای ارزی نفتی بیشتر از درآمدهای مالیاتی است (نمودار ۱)، نظام بودجه‌بندی و مخارج دولت به شدت تحت تأثیر آن قرار گرفته است (نمودار ۲).



نمودار ۱: مقایسه سهم درآمدهای نفتی و درآمدهای مالیاتی در بودجه دولت

(Source: <http://iranec.com/papers/papers9/A-11-380-4-7628d59.pdf>)



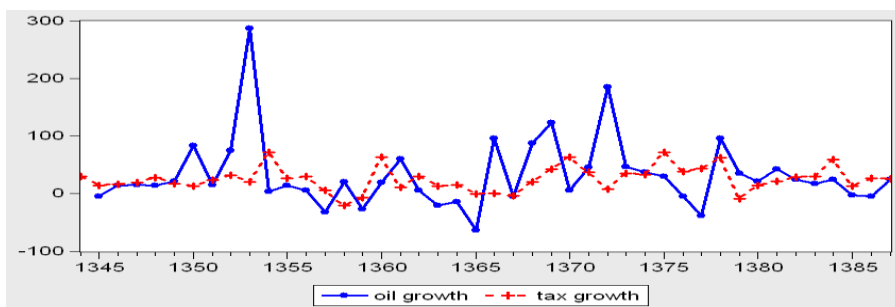
نمودار ۲: مقایسه نرخ رشد درآمدهای نفتی و مخارج دولت

(زراءنژاد و ديگران، ۱۳۹۳: ۱۲۱)

دولت که مخارجش را به وسیله درآمدهای نفتی تأمین می‌کند، نوسان در درآمدهای نفتی به بی‌ثباتی مخارج مالی دولت می‌انجامد و به تبع آن در تولید و رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. درعین حال، کاهش درآمد نفت نسبت به افزایش آن تأثیر بسیار فزاینده‌تری بر تولید و رشد اقتصادی ایران دارد. مطالعات بانک جهانی که در سال ۱۹۹۶ صورت گرفته است نشان می‌دهد که دست‌کم از سال ۱۳۵۱ تاکنون سهم درآمدهای دولت از نفت هرگز از ۵۴

درصد کمتر نبوده و در مواردی حتی به حدود ۷۰ درصد و بیشتر نیز رسیده است (Sabetghadam, 2005-2006:37; Bjovan and Sevik, 2005:2).

وابستگی شدید بودجه دولت به درآمدهای نفتی، رشد نقدینگی را در پی داشته است. این امر در کنار بودجه انبساطی مهم‌ترین دلیل افزایش نرخ تورم در اقتصاد ایران و کاهش قدرت خرید عمومی؛ به‌ویژه گروه‌های با درآمد ثابت است. ارزش حاصل از فروش نفت و گاز در ایران نه تنها درصد بالایی از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد، خود نیز بر سایر درآمدهای دولت اثرگذار است. در دهه‌های اخیر افزایش وابستگی دولت به درآمدهای نفتی همچنان تداوم یافته و در نتیجه، تصدیگری دولت در امور اقتصادی، ساختار نظام بودجه کشور که همواره با افزایش هزینه‌های جاری همراه است، آسیب فراوان دیده است. افزایش تکیه دولت به درآمدهای حاصل از فروش ارز برای تأمین هزینه‌های عمومی، نظام ناکارآمد مالیاتی، تداوم انحصارات دولتی، حجم بالای تصدی‌های دولتی، گسترش بی‌رویه شرکت‌های دولتی و نابره‌ور بودن آنها نسبت به بخش خصوصی و قوانین و مقررات متمرکز و استمرار ناکارآمدی اقتصادی، موجب تشدید نارسایی‌های ساختار بیمارگونه اقتصاد کشور شده است (نمودار ۳) (راعی دهقی، ۱۳۸۶: ۴۱-۴۲).



نمودار ۳: مقایسه نرخ رشد درآمدهای نفتی و مالیاتی

(زراء نژاد و ديگران، ۱۳۹۳: ۱۲۰)

نفت و امنیت اقتصادی ایران

تأمین بالاترین میزان امنیت ملی، یکی از دغدغه‌های عمده دولت‌ها و یکی از ارکان اساسی سیاست خارجی آنها در گذشته و حال تلقی می‌شود؛ امری که کشور ایران نیز از آن مستثنا نیست. مانند "امنیت اقتصادی" را این گونه تعریف می‌کند:

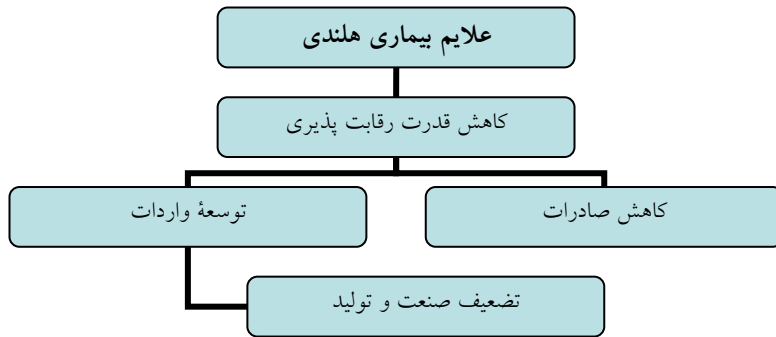
میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک کشور از طریق تأمین کالاها و خدمات هم از طریق عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی. امنیت اقتصادی در میان امنیت‌های دیگر، یکی از پُررنگ‌ترین جلوه‌های امنیت هر کشور است و نقطه مقابل امنیت اقتصادی، بحران اقتصادی است (جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸: ۱۱).

در همین ارتباط، بوزان تهدید اقتصادی را سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تهدید در چارچوب امنیت ملی دانسته، هدف امنیت اقتصادی را بسط مقرراتی می‌داند که سبب پویایی عوامل تولید در میان اقتصادهای ملی شود (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۴۸). شاخص امنیت اقتصادی دو بُعدی و ترکیبی است. برای امنیت اقتصادی باید مؤلفه‌های محیطی مثل امنیت خاطر فعالان اقتصادی، احساس آزادی عمل در چارچوب قانون و اعتماد به دولت و مؤلفه‌های اقتصادی نظیر رشد اقتصادی، پایین بودن نوسان‌های اقتصادی و توزیع عادلانه اقتصادی فراهم آید. از نظر بوزان، هر عاملی که بتواند استقلال و ثبات اقتصادی یک کشور را تهدید کند، چالشی در مقابل امنیت ملی تلقی می‌شود و هر عامل اقتصادی نظیر افزایش رفاه یا رشد اقتصادی که به ثبات اقتصادی و تحکیم قدرت سیاسی کشور منجر شود، به تقویت امنیت ملی نیز خواهد انجامید (صحفی، ۱۳۸۲: ۱۸۶). از آنجا که در اقتصاد سیاسی ایران بیشتر منابع ارزی و درآمدهای دولتی از درآمد نفت تأمین می‌شود، نظام بودجه‌بندی ایران همیشه به ارزش‌های حاصل از نفت برای حفظ امنیت ملی محتاج است (Stern, 2006:377-382). نتیجه‌ای که از این پیوند حاصل می‌شود، این است که نقش عوامل اقتصادی در

کسب قدرت، دفع خطر، حفظ ثبات، امنیت و تأمین منافع ملی ایران به شدت افزایش یافته است و از آنجاکه امنیت اقتصادی مجموعه‌ای از عوامل و ساختارهای اجتماعی است که باعث دلگرمی، آسایش خیال، شوق و ذوق مردم به کار و کوشش و فعالیت و امید به آینده می‌شود، بنابراین، با چنین پیوندی نمی‌توان انتظار داشت که نفت با این همه نوسانات در قیمت و درآمد، اسباب رفاه مردم را فراهم کند (گرچی و هاشمیان، ۱۳۸۶: ۵۶-۶۳).

بیماری‌های نفتی و اقتصاد ایران

در دهه گذشته، مفهوم فراگیری با عنوان "نفرین منابع"^۱ در ادبیات اقتصادی به وجود آمد. ادبیات بلای منابع به بررسی علل ناکامی کشور برخوردار از این مواهب در توسعه اقتصادی و به خصوص شکست دولت بر اثر عملکرد ضعیف اقتصادی در پایه‌گذاری یک رشد مستمر و مناسب اقتصادی می‌پردازد (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۳۴). نکته قابل توجه این که با افزایش قیمت جهانی نفت، گرفتاری این کشورها نسبت به زمان پایین بودن درآمدها بیشتر شده است (رحمانی و گلستانی، ۱۳۸۸: ۵۷). از نشانه‌های بلای منابع، بیماری هلندی است. برای تحلیل وضعیت اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت از شاخص بیماری هلندی به عنوان مهمترین معیار و مبنای تئوریک بهره گرفته می‌شود (مهرآرا و نیکی اسکویی، ۱۳۸۸: ۵). نخستین نشانه این بیماری، تزریق درآمدهای ارزی حاصل از صادرات مواد خام، افزایش نقدینگی و رشد عرضه پول در درون نظام اقتصادی است که علاوه بر دامن زدن بر رشد مصرف در جامعه، سبب افزایش نسبت شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قابل مبادله، تقویت ساختارهای غیربهبینه تولید، هزینه ثابت سرمایه و نیز افزایش هزینه ریالی تولید شده و در پی خود، غیررقابتی بودن محصولات صنایع داخلی را تشدید می‌نماید (شکل ۱) (جهانی راینی و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۰۳-۱۰۴).

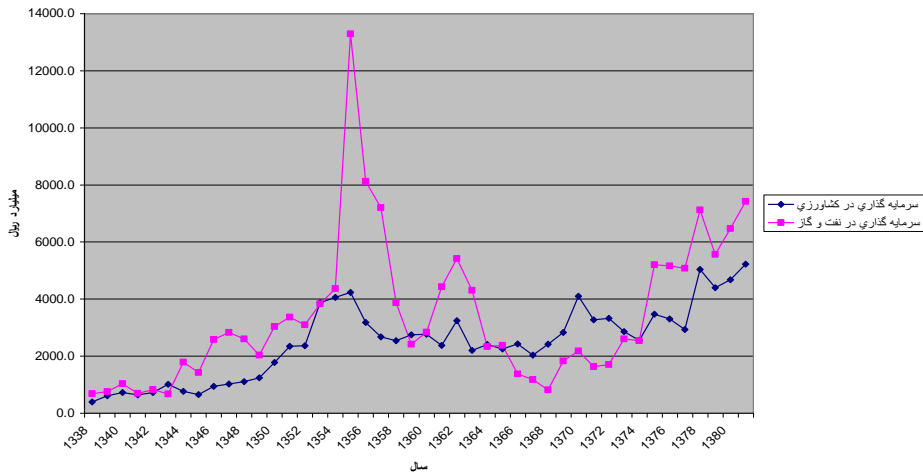


شکل ۱: آثار درآمدهای نفتی بر بخش صنعت و تولید
(شمس اردکانی، ۱۳۹۱: ۳).

در خصوص بیماری هلندی و اقتصاد ایران باید گفت که آثار بیماری هلندی در ایران ناشناخته نیست. اولین شواهد بیماری هلندی در اقتصاد ایران به سال ۱۳۵۳ برمی‌گردد؛ دورانی که قیمت نفت و درآمدهای ارزی حاصل از آن چهار برابر شد و در پی خود افزایش واردات و کاهش سطح تولید ملی را به همراه داشت و از سوی دیگر، به دلیل رشد‌کنند بخش‌های زیربنایی؛ از جمله نیرو، حمل‌ونقل و خدمات، هماهنگی بین بخش‌های اقتصادی را مختل و اقتصاد ملی را وارد دوره‌ای از عدم تعادل نمود. تجربه بعدی مربوط به سال‌های اولیه انقلاب است که به دلیل افزایش قیمت نفت خام، درآمدهای ارزی فراوانی عاید کشور شد؛ هرچند که آثار ضعیف‌تری نسبت به دوره قبل داشت. از سال‌های ۱۳۸۳ به بعد زمینه و نشانه‌هایی از ابتلای اقتصادی ایران به بیماری هلندی پدیدار شد. کاهش سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی و صنعت در تولید ناخالص داخلی و افزایش این سهم در بخش خدمات، وجود همبستگی منفی بین رونق اقتصادی و رشد اقتصادی بخش‌های کشاورزی و صنعت در مقابل همبستگی مثبت بخش ساختمان و افزایش سهم واردات کالاهای مصرفی از علائم بارز تداوم این بیماری در اقتصاد ایران است (نمودار ۴). اقتصاددانانی همچون خوش اخلاق و موسوی وقوع بیماری هلندی در ایران را همزمان با

آثار اقتصاد سیاسی منکی بر نفت بر امنیت ملی ایران / ۱۱۳

افزایش درآمدهای نفتی مورد تأکید قرار داده‌اند و بر این باورند که این بیماری بخش‌های قابل مبادله، کشاورزی و صنعت ایران را تضعیف کرده است (جدول ۱).



نمودار ۴: مقایسه رشد سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و نفت و گاز

(Source: <https://pooya.um.ac.ir>)

جدول ۱: آثار شوک درآمدهای نفتی بر تولید و اشتغال در ایران

بخش	درصد تغییرات تولید	درصد تغییرات اشتغال
کشاورزی	- ۰/۳۲	- ۰/۲۹
نفت	۰	۰/۰۶
معادن	-۷/۶۱	- ۷/۵۶
صنعت	- ۰/۳۰	- ۰/۲۶
آب، برق و گاز	- ۰/۱۳	- ۰/۱۱
ساختمان	۰/۵۵	۰/۵۸
خدمات	۰/۰۹	۰/۱۴

(خوش اخلاق و موسوی محسنی، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران

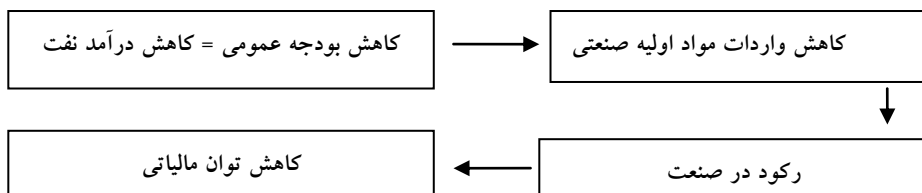
۱. **رشد اقتصادی:** یکی از ویژگی‌های رشد اقتصادهای مدرن این است که اقتصادهای دارای منابع طبیعی فراوان نسبت به اقتصادهای بدون منابع طبیعی عظیم، رشد اقتصادی کمتری دارند. با این حال از بین کشورهای دارای منابع نفتی، تعداد اندکی از این کشورها مثل نروژ و آمریکا توانسته‌اند درآمدهای نفتی را به علت نوع ساختار سیاسی و مدیریتی خود ساماندهی کند ولی برای بقیه کشورها جای پرسش است که چرا با وجود این ثروت طبیعی نه تنها به پیشرفت و توسعه دست نیافته‌اند بلکه دچار رکود، تورم، عدم رشد اقتصادی و کیفیت توسعه بوده‌اند. ساکس و وارنر در مقاله وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی به بررسی تأثیر منابع طبیعی بر رشد اقتصادی در کشورهای متکی بر این منابع در دوره ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند که اقتصادهایی که صادرات منابع طبیعی، درصد قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی آنها را تشکیل می‌دهد تمایل به رشد اقتصادی آهسته تری دارند. این رابطه یا وابستگی منفی حتی بعد از کنترل و مهار بسیاری از متغیرهای متنوع که برای رشد اقتصادی مضر می‌باشند پایدار نگه داشته شده است (D.Sachs and Warner, 1997: 1-2).

در واقع، کشورهای غنی از منابع مثل ایران نتوانسته‌اند از فرصت ایجاد شده ناشی از درآمدهای حاصل از منابع طبیعی، برای بهبود اوضاع اقتصادی خود بهره‌برداری مطلوب نمایند. این تعارض میان تئوری و عمل سبب شد تا تلاش‌های زیادی برای تبیین علل رابطه منفی میان رشد اقتصادی و فراوانی منابع طبیعی ایجاد شود (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۳۲). براساس برآورد صندوق بین‌المللی پول، تولید ناخالص داخلی ایران که متکی به نفت است، در سال ۲۰۱۳، ۱۶۰ میلیارد دلار کاهش یافته و ایران در رده بندی جهانی ۹ پله سقوط کرده است (آرمان، ۹۲/۷/۳۰). کارنامه دولت‌های مختلف طی ۱۶ سال گذشته (۱۳۹۲-۱۳۷۶) نشان از اثر معکوس درآمد نفتی بر افزایش رشد اقتصادی کشور

آثار اقتصاد سیاسی متکی بر نفت بر امنیت ملی ایران / ۱۱۵

دارد؛ به گونه‌ای که با وجود رکوردشکنی درآمدهای نفتی طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۴، افزایش درآمدها نتیجه معکوس داشته و آثار خود را در چارچوب بالارفتن نرخ تورم و تشدید شرایط رکود نشان داده است (دنیای اقتصاد، ۹۲/۷/۲۴). از طرف دیگر، با بررسی مخارج دولت مشاهده می‌شود که مخارج عمرانی دولت معادل درآمدهای مالیاتی و مخارج جاری معادل درآمدهای نفتی است؛ امری که با برنامه کاهش وابستگی بودجه دولت به نفت در تناقض بوده؛ زیرا هزینه‌های جاری باید از راه مالیات و مخارج عمرانی از طریق نفت تأمین شود (متفکر آزاد و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

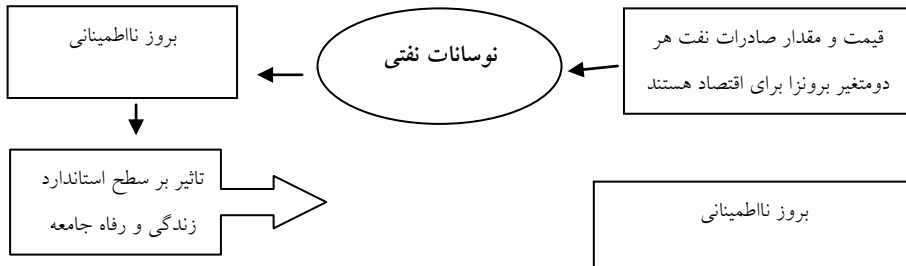
نوسان‌های شدید قیمت نفت که آن را شوک نفتی نامیده‌اند، آثار و تبعات مثبت و منفی بسزایی در اقتصاد کشورها دارند (کمپجانی و اسدی مهماندوستی، ۱۳۸۹: ۲۴۰). نتایج پژوهش‌هایی که اثر نوسان‌های قیمت نفت خام بر تولید ناخالص داخلی و تورم در ایران را بررسی کرده‌اند، نشان می‌دهند که واکنش متغیر تولید ناخالص داخلی به تکانه‌های مثبت و منفی، نامتقارن بوده و تورمزایی سیاست‌های پولی و کاهش مالیات در تکانه‌های منفی بیش از تکانه‌های مثبت است (شکل ۲) (بهبودی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹).



شکل ۲: آثار درآمدهای نفتی بر کاهش مالیات

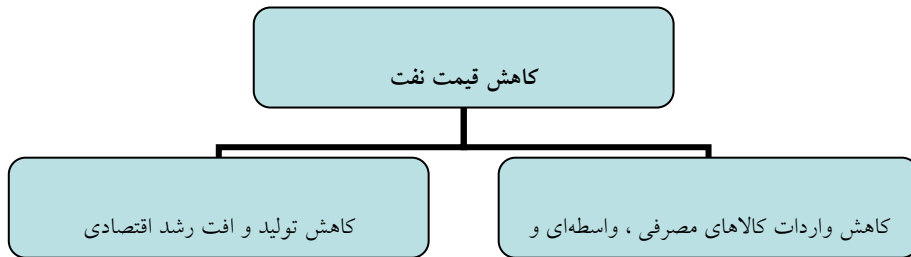
(شمس اردکانی، ۱۳۹۱: ۵)

همچنین، شدید بودن نوسان‌های قیمت نفت یک نوع نااطمینانی در اقتصاد داخلی کشور ایجاد می‌کند و با توجه به وابسته بودن بسیاری از متغیرهای کلان اقتصادی به قیمت نفت، نااطمینانی این متغیر، آثار منفی بر تولید ناخالص داخلی برجای می‌گذارد (شکل ۳).



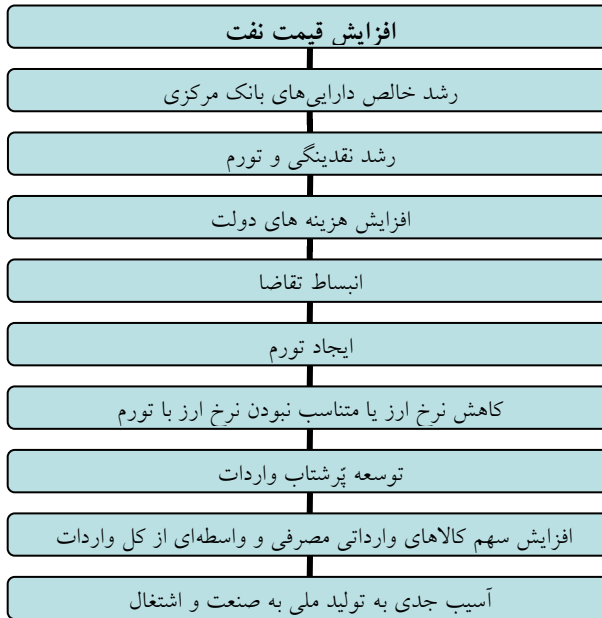
شکل ۳: آثار درآمدهای نفتی بر بروز نااطمینانی در اقتصاد
(جعفری، ۱۳۸۶ : ۲۰).

نکته حائز اهمیت این که تکانه قیمت نفت، مهم‌ترین منبع نوسان‌های تولید ناخالص داخلی، شاخص قیمت‌ها و واردات در ایران است. همچنین، می‌توان اظهار داشت تکانه‌های خارجی، اصلی‌ترین منبع تغییرات تمام متغیرها در بلندمدت است. به‌علاوه، درآمدهای ارزی و درآمد بودجه عمومی دولت نیز تابع نوسان‌های قیمت نفت است. از طرف دیگر، کاهش قیمت نفت، ارزش پول داخلی را به دلیل سیاست‌های ارزی ناصحیح در کوتاه‌مدت کاهش می‌دهد که این نیز به نوبه خود تضعیف و کاهش رشد اقتصادی ایران را در پی داشته است (شکل ۴) (مهرآرا و نیکی اسکویی، ۱۳۸۵ : ۲-۳).



شکل ۴: آثار و نتایج حاصل از شوک‌های منفی قیمت نفت بر اقتصاد ایران
(شمس اردکانی، ۱۳۹۱: ۳).

از آثار شوک‌های مثبت قیمت نفت در اقتصاد ایران، می‌توان به نوسان قیمت‌ها، برآورد ناصحیح قیمت‌ها، افزایش خطر و استفاده ناصحیح از منابع بادآورده اشاره نمود. یک شوک ۵۰ درصدی افزایش درآمدهای نفتی بخش‌های قابل مبادله کشاورزی و صنعت را تضعیف و بخش ساختمان را به عنوان بخش غیرقابل مبادله تقویت می‌کند؛ امری که بیانگر علائم بیماری هلندی در اقتصاد ایران است (شکل ۵) (صمدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۷).



شکل ۵: آثار و نتایج حاصل از شوک‌های مثبت قیمت نفت بر اقتصاد ایران

(شمس اردکانی، ۱۳۹۱: ۳).

۲. **رشد منفی اقتصادی:** براساس پژوهش‌های انجام شده، رشد اقتصادی کشورها با سهم سرمایه طبیعی در ثروت ملی آنها رابطه معکوس دارد. براین مبنا وابستگی به درآمدهای منابع طبیعی باعث می‌شود که درآمدها و هزینه‌های دولت انعطاف‌پذیری لازم را نداشته باشند و نتوانند به‌عنوان ابزار مناسبی برای سیاست‌گذاری در سطح کشور عمل کنند. افزایش قیمت نفت در دهه ۱۳۸۰ اگرچه فرصت‌های بی‌بدیلی را پیش روی اقتصاد ایران قرار داد؛ با این حال، کشور ما چندان آثار موهبت منابع را تجربه نکرد. بررسی تحولات روند رشد اقتصادی در دوره رونق درآمدهای نفتی اخیر (۱۳۹۲-۱۳۸۴) نشان می‌دهد که به‌رغم افزایش درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی بالا و مستمر حاصل نشده است و همچنان

آثار اقتصاد سیاسی متکی بر نفت بر امنیت ملی ایران / ۱۱۹

که مشخص است، اقتصاد ایران پس از ثبت نرخ‌های رشد اقتصادی و حفظ رونق اقتصادی در نیمه اول دهه ۱۳۸۰ (۸۵-۱۳۸۰) (با میانگین ۶/۵ درصد رشد اقتصادی) و در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ (۹۰-۱۳۸۶) با تضعیف رشد اقتصادی (میانگین ۳/۵ درصد) مواجه شده است؛ در حالی که نیمه دوم، دو برابر نیمه اول درآمد نفتی کسب کرده ایم. اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۱، رشد منفی را نشان می‌دهد که این خود بیانگر رویدادی بی سابقه در سال‌های پس از جنگ است (دنیای اقتصاد، ۹۲/۲/۸). بیشترین نرخ رشد اقتصادی ایران در طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ مربوط به سال ۱۳۸۶ بوده است. در آن سال، نرخ رشد اقتصادی ۷/۸۴ درصد و کمترین نرخ رشد اقتصادی نیز مربوط به سال ۱۳۹۱ بوده که نرخ رشد اقتصادی به منفی ۳ درصد رسیده است. با استناد به آمارهای مرکز آمار ایران از طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۴ نرخ رشد اقتصادی کشور در مجموع ۱۲ درصد کاهش یافته است و پس از ۱۴ سال، نرخ رشد اقتصادی منفی شده است (جدول ۲) (آرمان، ۹۲/۸/۱۸).

جدول ۲: آثار کاهش درآمدهای نفتی بر نرخ رشد اقتصادی ایران

۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴
-۳	۳/۲	۶/۳	۳/۱	./۸۳	۷/۸۴	۷/۳	۶/۹

(دنیای اقتصاد، ۹۲/۶/۱۴)

جدول بالا نشان‌دهنده متوسط رشد اقتصادی هشت ساله دولت نهم و دهم است که معادل ۳/۵۲ بود که در مقایسه با دولت قبلی که معادل ۵/۷۲ درصد بوده، به‌رغم افزایش قابل توجه درآمدهای نفتی، کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته و بیانگر رشد منفی اقتصادی کشور است (دنیای اقتصاد، ۹۲/۶/۱۴). نباید فراموش کرد از بایسته‌های مهم رشد اقتصادی و صنعتی، ایجاد محیط اقتصادی باثبات است؛ به‌شکلی که اثر سیاست‌های اقتصاد کلان در

حاشیه قرار نگیرد، توجه به مؤلفه مذکور در رشد بلندمدت مؤثر است (کازرونی، سجودی، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

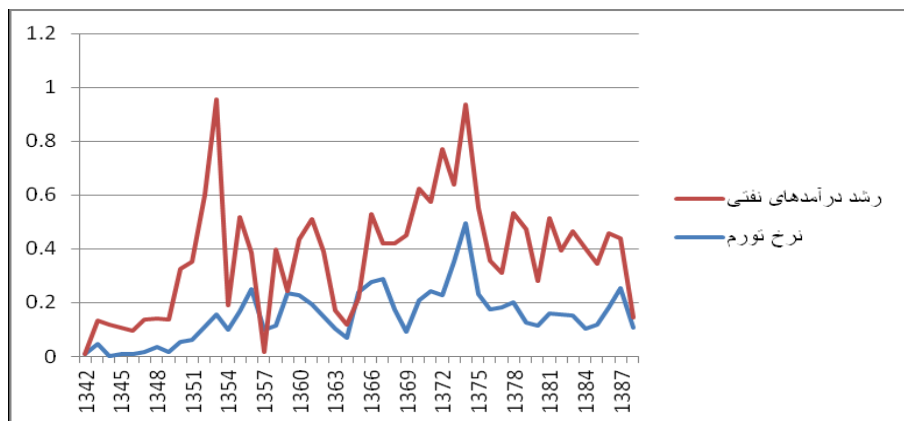
اگر درآمدهای نفتی به میزان ۱٪ افزایش یابد، ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۲٪ کاهش خواهد داشت (عباسیان و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱۶). این بدین معنی است که تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری‌ها از درآمدهای نفتی، هشدار برای اقتصاد ملی محسوب می‌شود (غروی نخجوانی، ۱۳۷۹: ۲۵۱)؛ زیرا دست‌اندازی دولت بر حوزه اقتصاد و عدم امکان فعالیت آزاد اقتصادی برای بخش خصوصی و غیردولتی از پیامدهای اقتصاد مبتنی بر نفت است (قادری، میرزایی، ۱۳۹۲: ۷). هنگامی که درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد، در پی خود کاهش حجم مواد، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و تولید بومی را به همراه خواهد داشت (Farzanegan, 2011: 138). درآمدهای حاصل از فروش نفت اثر منفی بر بخش صنعت و اثری مثبت بر بخش ساختمان و خدمات دارد (عباسیان و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱۸)؛ با این وصف، عقب‌ماندگی نسبی کشورهای صاحب منابع طبیعی را فقط نمی‌توان به حساب ذخایر با ارزش آنها نهاد؛ بلکه باید آن را متوجه چگونگی مصرف درآمد حاصل از آن ذخایر نیز دانست. صرف وجود رانت‌های نفتی عامل بروز نوسانات قیمت‌ها نیست؛ زیرا خود، نتیجه نوسانات قیمت است (عیوضی، ۱۳۸۵: ۵۶-۵۷).

۳. نرخ تورم: واکنش بازدهی بازار به شوک‌های قیمت نفت و نوسان‌های آن در یک کشور به‌طور فزاینده‌ای به موقعیت آن کشور در بازار نفت خام و نیروهای هدایت‌کننده شوک‌های قیمت نفت بستگی دارد (Yang, Wang and Chang Feng 2012: 2). قیمت نفت بیشترین سهم را در شکل‌گیری نوسان‌های اقتصادی دارد و اثرهای منفی حاصل از کاهش قیمت نفت از اثرهای مثبت قیمت نفت، بیشتر است. افزایش قیمت نفت سبب تحریک هر دو طرف عرضه و تقاضا در اقتصادهای وابسته به نفت می‌شود که امکان کاهش مجدد را به دنبال دارد. همچنین، تغییرپذیری قیمت نفت، اثر مخربی بر متغیرهای کلیدی اقتصاد؛ از

آثار اقتصاد سیاسی متکی بر نفت بر امنیت ملی ایران / ۱۲۱

جمله سرمایه‌گذاری ثابت، مصرف، اشتغال، تورم و نرخ‌های بیکاری دارد (دلآوری و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۶-۷۱).

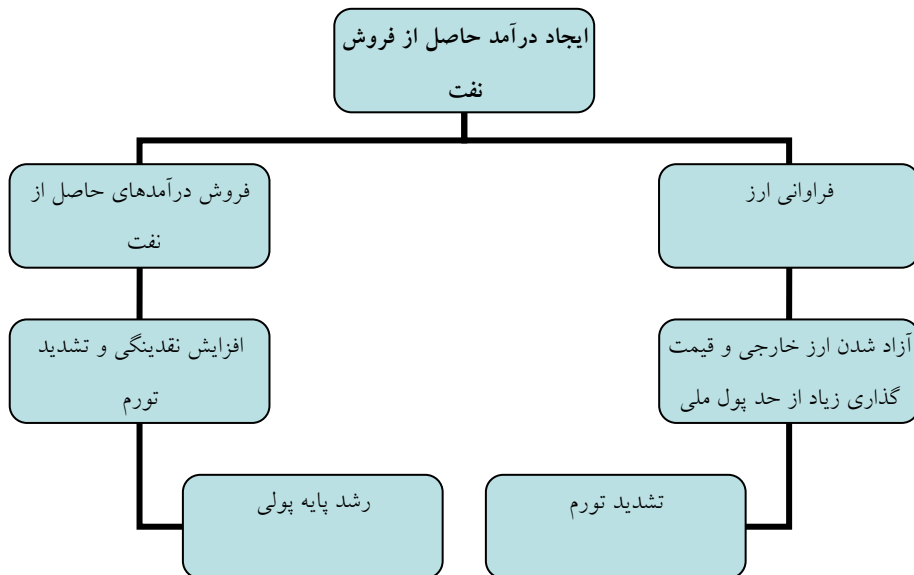
یکی از نتایج منفی درآمدهای نفتی ایران، افزایش نرخ تورم بیشتر از حد انتظار است (نمودار ۵). تورم در کشور ما نوع خاص (تورم - رکودی) است؛ یعنی در عین حالی که کالاها و خدمات گران هستند، بیکاری نیز بالاست و بازار کسب و کار در وضعیت رکود به سر می‌برد؛ تولید هم افزایش نمی‌یابد و مردم نیز قدرت خرید کافی برای خرید ندارند و این امر خود به رکود موجود دامن می‌زند. بنابراین، یکی از علل اصلی تداوم تورم در اقتصاد ایران، تداوم درآمدهای نفتی است. هنگامی که قیمت نفت افزایش می‌یابد، درآمد فزاینده ناشی از آن که به اقتصاد تزریق می‌شود، تورم را در پی خواهد داشت؛ چراکه بنیان‌های اقتصادی کشور ظرفیت جذب آن را ندارد (دادگر، ۱۳۷۷: ۲۳۱).



نمودار ۵: آثار رشد درآمدهای نفتی بر نرخ تورم در ایران

Source: <http://iranec.com/papers/papers9/A-11-380-4-7628d59.pdf>

تورم بالا در چند دهه گذشته، نشانه ضعف‌های مهمی در نهادها و روند سیاست‌گذاری در کشور بوده که امکان استفاده از درآمد نفت و کارآیی سرمایه‌گذاری را به شدت کاهش داده است (شاگری، ۱۳۸۳: ۴۹). بخشی از درآمدهای نفتی که از طریق بودجه وارد اقتصاد می‌شود، توسط بانک مرکزی در بازار ارز داخلی فروخته شده و به پول ملی تبدیل می‌شود؛ اما از آنجا که بخشی از این ارز به فروش نمی‌رسد، به افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، افزایش منابع پایه پولی و متعاقب آن حجم زیاد نقدینگی منجر می‌شود (امامی، ادیب‌پور، ۱۳۸۸: ۴) که در نهایت انبساط تقاضا و افزایش قیمت را در پی خواهد داشت (شکل ۶) (صمدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹).

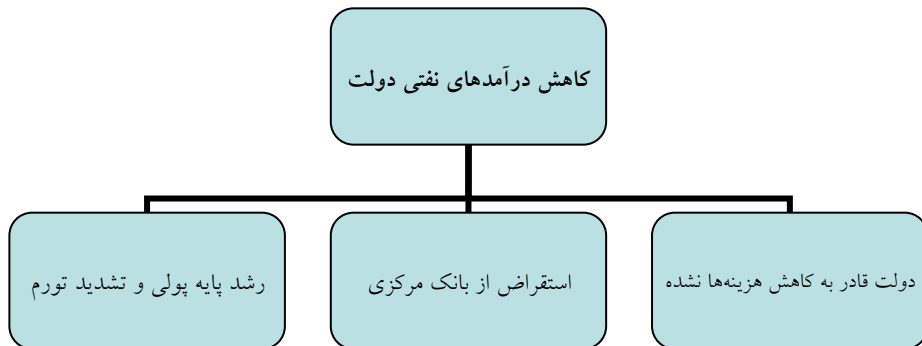


شکل ۶: نفت و اثرات آن بر درآمد ارزی و بودجه

(شمس اردکانی، ۱۳۹۱: ۴).

مهم‌ترین آثاری را که درآمدهای نفتی بر نرخ تورم در اقتصاد ایران دارند، می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۱. با توجه به تأمین منابع درآمدی دولت از صادرات میعانات نفتی، در زمان تکانه های منفی نفتی، دولت با کاهش بودجه مواجه می‌شود که بخشی را از راه استقراض از بانک مرکزی، مالیات و انتشار اوراق مشارکت تأمین می‌نماید. با توجه به شرایط اقتصادی ایران، مالیات در این زمینه جوابگو نیست و انتظار می‌رود که استقراض از بانک مرکزی و اوراق مشارکت تنها راه تأمین مالی این کسری بودجه باشند که در صورت تداوم تکانه های منفی، روند استقراض از بانک و حتی مردم افزایش می‌یابد که در نهایت به تداوم در افزایش پایه پولی و تورم می‌انجامد (شکل ۷).



شکل ۷: نفت و اثرات آن بر درآمد ارزی و بودجه

(شمس اردکانی، ۱۳۹۱: ۴).

۲. افزایش قیمت نفت به صورت کوتاه‌مدت به کاهش تورم منجر شده است. این که دولت با افزایش قیمت نفت کمتر به استقراض از بانک مرکزی بپردازد و نیز از راه واردات کالاها، مانع افزایش شدید در قیمت کالاهای تجاری شود، می‌تواند سبب کاهش

تورم گردد؛ اما اثر بلندمدت آن بر تولید می‌تواند مشکل‌آفرین باشد (بهرامی و نصیری، ۱۳۹۰: ۵۱۰).

۳. یکی از عوامل افزایش تورم افسارگسیخته در کشور، تلاش دولت برای جبران کسری بودجه‌اش از طریق فروش ارزهای نفتی با قیمتی بالا در بازار است که باعث افزایش نرخ پول‌های خارجی و درنهایت، کاهش ارزش پول ملی می‌شود. این اتفاق به نوبه خود باعث کاهش قدرت خرید مردم برای تهیه مایحتاج‌شان به‌خصوص در میان کالاهای وارداتی شده و افزایش تورم را دامن خواهد زد (تهران امروز، ۱۶/۲/۹۲).

۴. درکنار آثار نقدینگی بر تورم تأثیر رانت‌های نفتی نیز بر تورم چشمگیر است. تورم، باعث توزیع مجدد درآمد ثروت بدون توجه به ضابطه کار و کارایی می‌شود که از نظر اجتماعی غیرعادلانه است و درهم‌ریختگی بافت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در جامعه در پی خواهد داشت.

۵. سیاست‌های پولی و مالی هم به علت افزایش تقاضا و بروز بیماری هلندی تورم زاست؛ ولی تورمزایی سیاست‌های پولی در تکانه‌های منفی بیش از تکانه‌های مثبت است (بهبودی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹).

۶. شوک منفی نفتی به کاهش درآمدهای نفتی منجر می‌شود و کاهش ذخایر دلار در مقابل پول داخلی و کاهش ارزش پول ملی را به‌همراه خواهد داشت. به این ترتیب، خالص صادرات افزایش می‌یابد و با تحریک تقاضای کل به تورم می‌انجامد (کمیجانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۱۰).

۴. وضعیت صادرات غیر نفتی

بی‌ثباتی درآمد نفت از جمله عوامل مؤثر بر درآمد صادرات کشورهای در حال توسعه است که به علت نوسان‌های این درآمدها، اغلب نرخ‌های رشد برنامه‌ریزی شده آنها محقق

آثار اقتصاد سیاسی متکی بر نفت بر امنیت ملی ایران / ۱۲۵

نمی‌شود. وابستگی زیاد درآمدهای صادراتی دولت ایران به نفت سبب شده هر گونه تغییر در قیمت این کالا، برنامه‌های اقتصادی و عمرانی کشور با مشکل مواجه شود و رشد صادرات غیرنفتی کند گردد. نتیجه منطقی نوسان درآمدهای نفتی، بی‌ثباتی درآمد صادرات غیرنفتی است و این بخش را از تحرک باز داشته است (فخرایی و احمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۳۱). افزایش بی‌ثباتی در صادرات غیرنفتی نیز به نوبه خود بی‌ثباتی در درآمدهای بازرگانان و بخش خصوصی را در پی داشته و این بخش را تحت تأثیر قرار داده است. جدول ذیل به خوبی نشان می‌دهد که افزایش واردات در تمام بخش‌ها در زمان شوک‌های درآمد نفتی چگونه صادرات غیرنفتی را به‌خصوص در بخش‌های کشاورزی و صنعت کاهش داده است (جدول ۳).

جدول ۳: آثار درآمدهای نفتی بر صادرات غیر نفتی ایران

بخش	درصد تغییر صادرات	درصد تغییر واردات	درصد تغییر در خالص صادرات
کشاورزی	- ۷/۱	۰/۵۵	- ۱۸/۳۲
صنعت	- ۵/۴۹	۳/۱۹	- ۶/۸۹
خدمات	۰/۰۹	۱/۱۲	- ۰/۴۴

(خوش اخلاق، موسوی محسنی، ۱۳۸۵: ۱۰۶)

۵. اشتغال و توزیع درآمدها

توزیع درآمد ثروت از مشکلات کشورهای صادرکننده نفت از جمله ایران است. شواهد در اقتصاد ایران این انگاره را اثبات می‌کند که منابع طبیعی و درآمدهای ناشی از آن، نابرابری در ایران را افزایش داده است. به عبارتی، نظام توزیع درآمدهای نفتی باعث افزایش

نابرابری درآمدی در ایران شده و شکاف طبقاتی را دامن زده است. هرچند که اثرات شوک های نفتی بر نوسان های ضریب جینی^۱ در دوره های اولیه مقداری مثبت است؛ اما در بلند مدت این وضعیت، تغییر یافته، سبب می گردد که دولت در هر دو مقوله دریافت و مصارف درآمدهای نفتی به صورت کارآمد عمل نکند (سامتی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۵-۶۷). نتایج پژوهش های انجام یافته در این خصوص اثر منفی معناداری را بین درآمدهای نفتی و توزیع درآمدها و نیز تولید ناخالص داخلی در بلندمدت نشان می دهند (سامتی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۵). افزایش نابرابری نیز به نوبه خود، بی ثباتی سیاسی و اجتماعی را در پی خواهد داشت که این مسأله از طریق ایجاد ناامنی در فضای سیاسی، اقتصادی و سرمایه گذاری، رشد اقتصادی ملی را کاهش می دهد (جرجرزاده، اقبالی، ۱۳۸۴: ۴).

در مدل نئوکلاسیک رشد، درآمدهای حاصل از منابع انرژی از طریق تأثیر بر نیروی کار، اشتغال و سرمایه به طور غیرمستقیم بر رشد اقتصادی یک کشور مؤثر است (نادعلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۴). نتایج یافته های پژوهش های انجام شده در این خصوص نشان می دهند که تغییر قیمت فرآورده های نفتی به دلیل افزایش هزینه های صنعت حمل و نقل و رشد قیمت ها، در بلندمدت سرمایه گذاری در این بخش کاهش می یابد و با کاهش سرمایه گذاری از میزان افرادی که شانس استخدام در این بخش را دارند، کاسته می شود و در نتیجه، ارزش افزوده این بخش نیز رو به افول می گذارد (مهرگان و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۸۴).

در اقتصاد کلان ایران به صنعت نفت به عنوان صنعتی که بخشی از نیازهای جامعه را در زمینه اشتغال و ارزش افزوده و ارتباط با سایر بخش های تولیدی و خدماتی تأمین نماید، چندان توجه نشده است. این بدان دلیل است که از ظرفیت اشتغالزایی صنعت نفت و گاز به طور کامل استفاده نشده است. صنعت نفت و گاز ایران به گونه ای طراحی شده که با اقتصاد کشورهای صنعتی پیوند یافته و پروژه های نفت و گاز ایران همچنان به حضور

1. Gini Coefficient

نیروی کار خارجی در مقام پیمانکار و سازنده متکی است و از ایجاد ارتباط با دیگر بخش های اشتغالزای داخلی عاجز مانده است (سینایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۲). صنعت نفت ایران فعالیتی سرمایه‌بر است و اشتغال‌زایی پایینی دارد و با رکود درآمدهای نفتی، اقتصاد ایران دائماً دچار نوسان و بی‌ثباتی شده، موجب کاهش اشتغال می‌شود (متوسلی و فولادی، ۱۳۸۵: ۶۷).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از آنجاکه امنیت اقتصادی مجموعه‌ای از عوامل و ساختارهای اجتماعی است که باعث دلگرمی، آسایش خیال، شوق و ذوق مردم به کار و کوشش، فعالیت و امید به آینده می‌شود؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین شرایط لازم برای رسیدن ایران به ثبات و امنیت، دستیابی به رشد اقتصادی بالاست. امنیت اقتصادی در ایران وابسته به نفت است؛ اگر این اقتصاد به شیوه‌ای از درآمدهای ارزی حاصل از نفت محروم شود، ادامه حیات برای آن سخت خواهد شد و در این شرایط دولت با بحران جدی مواجه خواهد شد. مسأله مهم دیگر در مورد اثر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی، نوسان‌های آن است. درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران در دهه‌های گذشته بسیار پرنوسان بوده و بخش اعظم بودجه دولت را تشکیل داده است و وابستگی بودجه دولت به آن بسیار بالاست. همین عامل، بودجه دولت را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. کاهش ناگهانی درآمدهای ارزی به علاوه وابستگی فعالیت های سرمایه‌گذاری به بودجه عمرانی، موجب کاهش رشد تولید و رکود فعالیت‌های اقتصادی در کشور شده و در نتیجه، وابستگی به درآمدهای نفتی، مدیریت کلان مالی و اقتصادی کشور را مختل نموده است. برای آن که سهم نفت در تولید ناخالص داخلی کاهش و به تبع امنیت اقتصادی ایران تضمین گردد، توجه به اهداف و اولویت‌های ذیل می‌تواند به میزان درخور توجهی نقش‌آفرین باشد:

۱. افزایش تولید ناخالص داخلی کشور با رشد شتابان؛
۲. کاهش تولید نفت و درآمدهای حاصل از آن؛
۳. سرمایه‌گذاری تولیدی با رشد شتابان افزایش یابد؛
۴. افزایش بهره‌وری در اقتصاد کشور (افزایش سود) در اولویت قرار گیرد؛
۵. اولویت دادن به سرمایه‌گذاری در تولید داخلی برون‌گرا و قابل رقابت در عرصه منطقه‌ای و جهانی.

برای آن که سهم نفت از درآمدهای عمومی دولت و در بودجه عمومی کاهش یابد

باید:

۱. سهم درآمدهای مالیاتی دولت افزایش یابد؛
 ۲. تولید ناخالص داخلی افزایش یابد؛
 ۳. مالیات‌ها افزایش یابد (افزایش ضریب مالیات دولت).
- برای آن که سهم نفت در تراز پرداخت‌ها و تراز بازرگانی خارجی کشور کاهش

یابد، باید:

۱. صادرات کالاهای غیرنفتی افزایش یابد؛
 ۲. کیفیت کالاهای صادراتی افزایش یابد.
- برای آن که حداکثر تجهیز منابع داخلی برای توسعه سرمایه‌گذاری تولیدی صورت

پذیرد؛ باید:

۱. منابع بخش خصوصی (شامل بازارهای پول و سرمایه) افزایش یابد؛
 ۲. موجودی صندوق ذخیره ارزی افزایش یابد.
- برای آن که حداکثر تجهیز منابع خارجی برای توسعه سرمایه‌گذاری تولیدی صورت

پذیرد؛ باید:

۱. سرمایه‌های خارجی جذب شود؛

۲. منابع خارجی (اخذ وام از بانک‌های خارجی / فاینانس) جذب شود.

راهکارهای تحقق اهداف بالا

از منظر ساختارهای سیاسی: باید امنیت اقتصادی (شامل امنیت قضایی، اجتماعی و فرهنگی) و فضای مناسب کسب و کار (شامل فضای توسعه سیاسی و اجتماعی) در کشور تقویت شود. از منظر ساختار اقتصادی: نگاه به نفت باید به عنوان سرمایه و نه درآمد، مورد پذیرش و اقدام قرار گیرد. همچنین، در تنظیم سیاست‌های اقتصادی کشور باید مؤلفه‌هایی همچون: رقابت، حمایت از تقویت کارآفرینان در قالب ایجاد بخش خصوصی در اندازه‌های متوسط (در مقیاس جهانی) و ایفای نقش غالب توسط بخش خصوصی در اقتصاد؛ اتکای به مزیت‌های کشور (نسبی - رقابتی)؛ برونگرایی و تعامل با اقتصاد جهانی در نظر گرفته شود.

برای تحقق چشم‌انداز ترسیم شده در بخش اقتصاد:

۱. اقتصاد ایران باید با رشد شتابان پیش رود؛ ۲. اقتصاد ایران برونگرا شود.

برای تحقق اهداف مذکور باید: ۱. منابع عظیم مالی، هم منابع داخلی و هم سرمایه‌گذاری های خارجی، جلب و جذب شود؛ ۲. دستیابی به فناوری پیشرفته در اولویت اساسی قرار گیرد؛ ۳. جهت‌گیری توسعه و تنوع صادرات در دستور کار قرار گیرد.

منابع

- ابراهیمی، محسن و دیگران. (۱۳۸۷). بررسی مکانیسم‌های اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت از دیدگاه بلای منابع طبیعی. فصلنامه اقتصاد انرژی، سال پنجم، ش ۱۶.
- امامی، کریم و ادیب‌پور، مهدی. (۱۳۹۰). بررسی اثرات نامتقارن شوک‌های نفتی بر تولید. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال سوم، ش ۴.
- بهرامی، جاوید و نصیری، سمیرا. (۱۳۹۰). شوک نفتی و بیماری هلندی: بررسی موردی ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال شانزدهم، ش ۴۸.
- بهبودی، داوود و دیگران. (۱۳۸۸). اثرات بی‌ثباتی قیمت نفت بر تولید ناخالص داخلی در ایران. فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال ششم، ش ۲.
- بوزان، باری و دیگران. (۱۳۸۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری. (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تریف، تری و دیگران. (۱۳۸۳). مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفری، میرابراهیم. (۱۳۸۶). اثر درآمدهای نفتی بر برخی متغیرهای کلان اقتصادی در ایران. قابل دسترس در: Merj.blogfa.com.
- جرجرزاده، علی‌رضا و اقبالی، علی‌رضا. (۱۳۸۴). بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، ش ۱۷.
- جهانبزرگی، احمد. (۱۳۸۸). نقش امنیت اقتصادی در حفظ انقلاب اسلامی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، ش ۱۶.

آثار اقتصاد سیاسی منکی بر نفت بر امنیت ملی ایران / ۱۳۱

- جهانی رائینی، امیر و دیگران. (۱۳۸۰). بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۴۰-۳۹.
- خوش اخلاق، رحمان و موسوی‌محسنی، رضا. (۱۳۸۵). شوک‌های نفتی و پدیده بیماری هلندی در اقتصاد ایران: یک الگوی محاسبه‌پذیر تعادل عمومی. مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷۷.
- دادگر، یدالله. (۱۳۷۷). تحلیلی کلی بر اقتصاد ایران پس از انقلاب و دورنمای آینده آن. نشریه نامه مفید، ش ۱۶.
- دلاوری، مجید و دیگران. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر قیمت نفت بر رشد اقتصادی ایران، با استفاده از همگرایی نامتقارن. فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، ش ۱۸.
- راعی دهقی، مرتضی. (۱۳۸۶). بررسی جایگاه بخش نفت و گاز در اقتصاد سال‌های اخیر ایران. ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، ش ۲۵.
- رحمانی، تیمور و گلستانی، ماندانا. (۱۳۸۸). تحلیلی از نفرین منابع نفتی و رانت‌جویی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب نفت‌خیز. مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۸۹.
- رنجبر، محسن. (۱۳۸۸). اهمیت توجه به امنیت اقتصادی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۲۸۴-۲۷۳.
- زراءنژاد، منصور و دیگران. (۱۳۹۳). بررسی و اندازه‌گیری تأثیر درآمدهای نفتی بر درآمدهای مالیاتی در ایران. فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، ش ۷۲، صص ۱۱۱-۱۳۷.
- سامتی، مرتضی و دیگران. (۱۳۸۸). اثرات درآمدهای نفتی و تزریق آن به اقتصاد بر توزیع درآمد. فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ششم، ش ۴.
- سامتی، مرتضی و دیگران. (۱۳۹۱). شبیه‌سازی تأثیر فساد بر رشد اقتصادی ایران. فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره نهم، ش ۲.

سریع القلم، محمود. (۱۳۸۵). عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی در ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

شاگری، عباس. (۱۳۸۳). عوامل تعیین‌کننده صادرات غیرنفتی ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۲۱.

شمس اردکانی، علی. (۱۳۹۱). تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی و انرژی. قابل دسترس در: www.necom.ir

صحفی، سیدمحمد. (۱۳۸۲). قراردادهای نفتی و مسأله امنیت ملی. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ش ۱۷.

صمدی، سعید و دیگران. (۱۳۸۸). تحلیل تأثیر شوک‌های قیمتی نفت بر متغیرهای اقتصاد کلان در ایران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال هفدهم، ش ۵۲.

عباسیان، عزت‌اله و دیگران. (۱۳۸۶). تأثیر عدم اطمینان قیمت نفت بر بخش‌های صنعت، خدمات و ساختمان. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، ش ۲.

عیوضی، محمدرضا. (۱۳۸۵). بحثی در نظریه‌پردازی امنیت ملی: رابطه امنیت ملی و عملکرد جامعه‌شناختی سیاسی. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هفتم، ش ۲۷.

غروی نخجوانی، سید احمد. (۱۳۷۹). نقش درآمدهای نفتی در تأمین منابع سرمایه‌گذاری ایران. مجله پژوهشنامه اقتصادی، ش ۲.

فخرایی، عنایت‌الله و احمدی، حمیده. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر نوسانات درآمدهای ارزی صادرات غیرنفتی ایران. فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره هشتم، ش ۲.

کرباسیان، علی‌اکبر. (۱۳۷۵). حلقه مفقوده امنیت اقتصادی در ایران. ماهنامه گزارش اقتصادی، ش ۶.

کمیحانی، اکبر و اسدی مهماندوستی، الهه. (۱۳۸۹). سنجشی از تأثیر شوک‌های نفتی و سیاست‌های پولی بر رشد اقتصادی ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۹۱.

آثار اقتصاد سیاسی متکی بر نفت بر امنیت ملی ایران / ۱۳۳

گرچی، ابراهیم و هاشمیان، مسعود. (۱۳۸۶). تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های امنیت اقتصادی. فصلنامه مطالعات دفاع استراتژیک، سال هشتم، ش ۲۷.

ماندل، رابرت. (۱۳۸۷). چهره متغیر امنیت ملی، تهران: ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.

متفکر آزاد، محمدعلی و دیگران. (۱۳۹۱). نفت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ش ۱۱.

متوسلی، محمود و فولادی، معصومه. (۱۳۸۵). نفت و تأثیر آن بر واردات در ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷۶.

مهرآرا، محسن و نیکی اسکویی، کامران. (۱۳۸۵). تکانه‌های نفتی و اثرات پویای آن بر متغیرهای کلان اقتصادی. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۴۰.

مهرگان، نادر و دیگران. (۱۳۹۰). تأثیر رشد قیمت فرآورده‌های نفتی بر اشتغال در بخش حمل و نقل. پژوهشنامه حمل و نقل، سال هشتم، ش ۳.

نادعلی، محمد و دیگران. (۱۳۹۱). ارتباط میان بهره‌وری و رشد بخش نفت در اقتصاد ایران. فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره نهم، ش ۱.

ونکی، سعید. (۱۳۸۵). نقش اقتصاد در تأمین امنیت ملی ما. ماهنامه تازه‌های اقتصاد، ش ۷۴.

روزنامه آرمان (۹۲/۷/۱۰، ۹۲/۴/۲، ۹۲/۷/۳۰، ۹۲/۸/۱۸، ۹۲/۹/۴، ۹۱/۴/۲۱ و ۹۲/۷/۲۷).

روزنامه بهار (۹۲/۷/۱۰، ۹۲/۷/۱۳).

روزنامه تهران امروز (۹۲/۳/۱۹، ۹۲/۲/۱۶).

روزنامه جام جم (۹۲/۶/۱۷).

روزنامه جهان صنعت (۹۲/۵/۲۴).

روزنامه دنیای اقتصاد(۹۲/۹/۹، ۹۲/۷/۲۴، ۹۲/۲/۸، ۹۲/۱۱/۱، ۹۲/۴/۲/۸، ۹۲/۶/۹۲، ۸۷/۱/۲۵، ۹۲/۶/۱۴).

روزنامه شرق(۹۲/۷/۱۰، ۹۲/۹/۲۳).

روزنامه کیهان(۹۲/۵/۲۴).

نشریه مشعل(۹۲/۲/۲۲).

- Bjorvatn, Kjetil and Selvik ,Kjetil.(2005). “Destructive Competition: Oil and Rent Seeking in Iran”, Norwegian School of Economics and Business Administration, *World Development*.Vol 36.No11.pp. 2314-2324.
- CRS Report for Congress.(2008). “*Iran’s Economy*”.Congressional Research Service. Order Code RL34525.pp.1-47.
- Engerer,Hella.(2009).*Security Economics: Definition and Capacity, Economics of Security Working Paper 5*, Berlin: Economies of Security. Available at:< <https://ideas.repec.org>>.
- Farzanegan, Mohammad Reza.(2011). “Oil Revenue Shocks and Government Spending Behavior in Iran”, Dresden University of Technology & ZEW Mannheim Post Doctoral Research Fellow of the Alexander von Humboldt-Foundation, *Energy Economic Journal*. No. 33.
- Osberg, Lars.(2009).Measuring Economic Security In Insecurity Times:New Perspectives, New Events and the Index of Economic Well Being ,*CsIs Research Report*.
- Sabetghadam,Morteza.(2005-2006).“*Energy and Sustainable Development in Iran*”. *Sustainable Energy Watch – Helio International- Iran, Institute for International Energy Studies*.pp.1-41. Available at:< <https://sustainabledevelopment.un.org>>.
- Sachs. Jeffrey.D and M. Warner, Andrew.(1997).*Natural Resource Abundance and Economic Growth*, NBER Working Paper, Center for International Development and Harvard Institute for International Development.No.517.
- Stern,Roger.(2006). “*The Iranian Petroleum Crisis and United States National Security*”.pp.377-382. Available at:< <http://www.pnas.org>>.
- Wang,Yudong,Chong Feng Wu and Yang li.(2012). “Oil Price Shocks and Stock Market Activities: Evidence From Oil-Importing and Oil Exporting Countries”, *Journal of Compative Economics*. Available at:< <http://www.sciencedirect.com/science/journal/01475967/40/1>>.